

جزوه حقوق مدنی 1

برای دانلود جزوه اینجا کلیک کنید

### احوال دو نوع است:

شخصیه: نکاح، طلاق، ارث و وصیت‌عینیه: یعنی بحث اموال

مال در عرف کنونی به دو معنای مادی و حقوقی به کار میرود:

1) به معنای مادی و محدود: اشیایی که موضوع داد و ستد حقوقی بین اشخاص قرار میگیرند. خانه، فرش و... .

2) به معنای مجرد و حقوقی: که حقوق مالیایی هستند که به اشخاص امکان انتفاع از اشیاء مادی را میدهند. حق مالکیت و طلب از دیگران.

پس در حقوق داریم:

موضوع حقوق - اموال هستند.

طرف حقوق - اشخاص هستند.

### چند نکته:

1) ماهیت اموال مطلق نیست و برحسب مزاج کشورها فرق میکند.

مثلاً در فقه ما: شراب و گوشت خوک مال نیستند، پس اگر دو مسلمان در دعوی با هم، یکی شرابهایی دیگری را بشکند، طرف مقصر ضامن نیست چون موضوع دعوی مال نیست.

پس مالیت اموال نسبی است.

2) آیا نحوه مصرف اموال در نحوه معامله اموال مؤثر است؟

حلال یا حرمت اموال یعنی: اگر مصرف حلال است پس معامله آن هم حلال است.

### استثناء:

ربا - حرام است ولی اگر مسلمان از کافر بگیرد حلال است یعنی به کافر قرض بدهیم و از او ربا بگیریم.

هرچند که حرام است ولی معامله با کافر و خارجیها درست است.

و در اصول فقه هم داریم:

امر ظهور در وجوب دارد. نهی در ظهور در حرمت دارد.

پس مال کافر بر مؤمن حلال است ولی ایراد اینجاست که آیا: «لقمه گرفتن شیر از دهان سگ درست است؟»

3) آیا کمیت اموال نقش در مالیت آنها دارد یا خیر؟

خیر ندارد و مال اندک مانند 1 ریال یا یک دانه گندم هم مال است ولی خوب موضوع داد و ستد واقع نمیشود و عرف از آن بیاعتنا میگذرد ولی مالیت دارد و مال است ولی قابل معامله در عرف نیست. به همین دلیل: اگر دزدی خرمن گندم را دانه دانه بدزد،

نمیگویند به ارزشی نرسیده و دزدی نکرده، وانگهی ارزش مجموع، نتیجه مجموع اجزاء نیست، بلکه بر اثر وجود ارزش هر جزء میباشد. پس یک ریال و یک دانه گندم هم مفید است و هم قابل تملک چنانچه که در محاسبات مهم بانکی و بازرگانی از آن نمیگذرند.

#### 4) آیا این تعریف برای مال درست است؟

مال: چیزی است که ارزش داد و ستد داشته باشد و در برابر آن پول یا مال دیگری داده شود.

ج) در این تعریف معیار تمیز ارزش نوعی است و در اختیار عرف یعنی در بازار معادل مبلغی پول است. پس از دو جهت باید این تعریف را تعدیل کرد.

1) ارزش: نتیجه رغبتی است که اشخاص برای بدست آوردن چیزی در خود احساس میکنند و از آنجا که خواستهها و نیازهای مردم یک جامعه شبیهاند میگوییم که «ارزش چهره نوعی و همگانی دارد». ولی اشکالی ندارد که: «مالی در رابطه دو طرف قرارداد ارزش مالی داشته باشد، هر چند که دیگران در برابر آن موضوع بهایی نپردازند.» و عقلایی و مشروع بودن انگیزه معامله کفایست مثل: خرید و فروش عکسها و یادگارهای خانوادگی.

2) همچنین باید به مسأله مال اندک هم توجه کرد که در سؤال قبل جواب داده شد.